

درس نهم: از نهضت تا هجرت

هدف‌های آموزشی

- ۱- آشنایی با موج سوم نهضت امام خمینی
- ۲- اطلاع از پیامد خروش ضد استعماری امام خمینی
- ۳- آشنایی با برکات علمی و مبارزاتی امام خمینی در سال‌های تبعید

قیام علیه سلطه بیگانه - کاپیتولاسیون -

رژیم شاه که بر اثر فشار حمایت‌های مردمی و نیز حمایت علما و روحانیون از امام خمینی مجبور به آزاد کردن ایشان گردید، با شیطنت، خواست به جامعه الغا کند که میان رژیم و روحانیون «تفاهم» صورت گرفته است!

اما امام خمینی با هوشمندی و شجاعتی که داشت اعلان کرد:

خمینی را اگر دار بزنند تفاهم نخواهد کرد. با سر نیزه نمی‌شود اصلاحات کرد... من از آن آخوندهای نیستم که در اینجا بنشینم و تسبیح دست بگیرم؛ من پاپ نیستم که فقط روزهای یکشنبه مراسمی انجام دهم و بقیه اوقات برای خودم سلطانی باشم و به امور دیگر کاری نداشته باشم.^۱

مبارزات امام خمینی علیه حکومت مستبد و وابسته به سلطه‌جویان خارجی پس از آزادی از زندان هم ادامه یافت و در ماجرای تصویب کاپیتولاسیون به اوج خود رسید. این مصونیت قضایی توسط دولت حسنعلی منصور که جایگزین دولت علم شده بود، در ۲۱ مهرماه ۴۳ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۶۸.

رژیم شاه کوشید خبر آن پخش نگردد؛ اما امام خمینی از راه‌هایی مطلع گردید و روز چهارم آبان ۴۳ سخنرانی تاریخی خود را ایراد کرد و ماهیت این مصوبه استعماری را برای همگان روشن کرد و شدیداً به آمریکای سلطه‌گر حمله کرد و علاوه بر سخنرانی بیانیه‌ای هم صادر کرد:

دنیا بداند که هر گرفتاری‌ای که ملت ایران و ملل مسلمان دارند، از اجانب است، از امریکاست. ملل اسلام از اجانب عموماً و از امریکا خصوصاً متنفر است.

ایشان افزود:

اکنون من اعلام می‌کنم که این رأی ننگین مجلسین مخالف اسلام و قرآن است و قانونیت ندارد؛ مخالف رأی ملت مسلمان است. وکلای مجلسین وکیل ملت نیستند؛ وکلای سر نیزه هستند! رأی آنها در برابر ملت و اسلام و قرآن هیچ ارزشی ندارد. و اگر اجنبی‌ها بخواهند از این رأی کثیف سوءاستفاده کنند، تکلیف ملت تعیین خواهد شد... بر ملت ایران است که این زنجیرها را پاره کنند، بر ارتش ایران است که اجازه ندهند چنین کارهای ننگینی در ایران واقع شود... این دولت را ساقط کنند؛ وکلایی که به این امر مفتضح رأی دادند از مجلس بیرون کنند... بر فضلا و مدرسین حوزه‌های علمیه است که از علمای اعلام بخواهند که سکوت را بشکنند.^۱

امام خمینی در این پیام تاریخی هم ریشه مشکلات ملت ایران و ملل مسلمان را، امریکا معرفی کرد و نوک تیز حملات خود را متوجه آن نمود، و هم بی‌اعتبار بودن مصوبه مجلسین را اعلان کرد و هم فرمایشی بودن و دست نشانده بودن مجلسین را بیان کرد. ایشان علناً دستور ساقط کردن دولت، بلکه رژیم را به مردم

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۱۱ - ۴۱۲.

داد و ارتش ایران را نیز در مقابل این وطن فروش‌ها مسئول دانست؛ همچنان‌که از سکوت علمای اعلام ناراضی بوده و به فضلا و مدرسین حوزه علمیه یادآور می‌شود که از علمای اعلام بخواهند که سکوت نکنند و علیه این همه ذلت و خواری به پا خیزند و قیام نمایند.

رژیم شاه و ارباب او آمریکا که چنین مورد حمله قرار گرفتند در اقدامی فوری و بسیار خشن و شدید، همان آبان ماه - سحرگاه سیزدهم آبان ۱۳۴۳ - ایشان را دستگیر و با سرعت به ترکیه تبعید کردند. فرزند فاضل و عالم امام خمینی یعنی سیدمصطفی خمینی که پیگیر مبارزات پدر بود و محوریتی یافته بود؛ توسط ساواک دو ماه پس از پدر یعنی سیزدهم دی ماه نزد پدر در ترکیه به تبعید فرستاده شد. امام خمینی و فرزندش تا مهرماه ۱۳۴۴ در ترکیه بودند، اما از آن تاریخ به عراق منتقل شدند و در شهر نجف و در جوار امیرالمؤمنین (ع) به تدریس و تألیف و نیز رهبری مبارزات مشغول گردیدند، و تا سال ۱۳۵۷ که شعله مبارزات ملت مسلمان ایران علیه ظلم ستمشاهی به اوج خود رسید، با سخنرانی‌های به موقع و اعلامیه‌های هدایتگر، رهبری مبارزات اسلامی ضد رژیم پهلوی را بر عهده داشتند.

ایشان در سال‌های تبعید در نجف به تدریس خارج فقه و تألیف کتاب‌های تحقیقی و اجتهادی فقهی اشتغال داشتند. در این مدت پنج جلد «کتاب البیع» که در بردارنده مباحث معاملات، بیع و خيارات است و نیز یک جلد «الخلل فی الصلوة» که بخشی از مباحث گسترده مربوط به نماز است به موازات تدریس، تألیف گردید.

امام خمینی نه تنها با تبعید منفعل و منزوی نشد، بلکه با استقامت و برنامه دقیق، بهترین استفاده را از آن کرد! ایشان در شرایط غربت و تنهایی در بورسای

ترکیه دست به تألیف کتاب ارزشمند و کم‌نظیر «تحریرالوسیله» زدند که جلد اول در ترکیه، و جلد دوم در نجف نوشته شد و در سال‌های ۱۳۴۴ به بعد انتشار یافت. کتابی که یک دوره کامل فقه فتوایی شیعه امامیه بود و علاوه بر آن بخش جدید و ابتکاری «المسائل المستحدثه» را هم دربرداشت.

نکته حائز اهمیت درباره مرجعیت امام خمینی - چنانکه پیشتر بیان شد - اینکه ایشان از ورود به وادی مرجعیت دوری می‌کرد، ولی با اصرار بعضی از شاگردان فاضل و شخصیت‌های برجسته حوزوی پذیرفتند کتاب‌های فتوایی را در اختیار عموم مؤمنان و متدینان قرار دهند که این مهم به همت بعضی از ارادتمندان از شاگردان فاضل ایشان انجام گرفت و با آغاز نهضت و امواج سه‌گانه آن (مقابله با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، مخالفت با رفراندوم لوایح ششگانه و تصویب کاپیتولاسیون به منظور مصونیت قضایی نظامیان آمریکایی در ایران) شعاع مرجعیت و زعامتشان مستحکم‌تر و وسیع‌تر می‌شد؛^۱ تا اینکه در سال ۱۳۴۹ مرجع بزرگ و فقیه نامی آیت‌الله سیدمحسن حکیم از مراجع ساکن نجف از دنیا رفتند و جمعی از فضلاء بزرگ حوزه علمیه قم «اعلمیت» و «متعین» بودن تقلید از امام خمینی را مطرح کردند و شعاع مرجعیت امام وسیع‌تر گردید که ارسال استفتائات فراوان به نجف خود گواه این اقبال گسترده است، به گونه‌ای که آرشیوی از پاسخ به استفتائات مؤمنان در کتابخانه تخصصی امام خمینی و انقلاب اسلامی در قم موجود است.

۱. اظهار نظر حضرات آیات: حسینعلی منتظری، محمد شریعت اصفهانی، عبدالرحیم ربانی شیرازی، محمد موحدی فاضل لنکرانی، حسین نوری، نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، احمد جنتی، ابوالقاسم خزعلی، یحیی انصاری شیرازی، علی مشکینی، غلامرضا صلواتی، محمد شاه‌آبادی و ابراهیم امینی. در این رابطه علاوه بر اظهار نظر کوتاه، بیانیه‌ای تحلیلی توسط حسینعلی منتظری و عبدالرحیم ربانی شیرازی نوشته شد که تاریخی و خواندنی است. (ر.ک: نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۸۰ - ۸۷)

ایشان گرچه تا سال ۱۳۵۶ و روشن شدن شعله‌های اولیه انقلاب اسلامی، به تدریس و شئون علمی و مرجعیتی اشتغال داشت، لکن نسبت به وضعیت ایران و جریان مبارزه توجه داشته و هر از چند گاهی پیام‌ها یا سخنرانی‌هایی به تناسب اوضاع ایران از ایشان صادر می‌شد و حتی اندک تزلزلی در پیگیری راه و هدفی که در پیش گرفته بود، نداشت و این در حالی بود که جریان عادی حوادث و اوضاع عمومی کشور وقوع انقلاب و دگرگونی را نشان نمی‌داد، ولی تکلیف مداری و آینده فکری حکم می‌کرد که توفقی در نهضت ایشان رخ ندهد.

هجرت تاریخی به فرانسه

در پی امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر میان رژیم شاه ایران و حکومت بعث عراق، روابط فیما بین رو به بهبود گذاشت، چراکه دو دولت متعهد شدند از فعالیت مخالفین مستقر در کشورهای خود علیه کشور همسایه جلوگیری کنند. بر این اساس حکومت بعث عراق محدودیت‌هایی برای فعالیت‌های سیاسی امام خمینی و یاران مبارز ایشان ایجاد کرد، ولی امام همچنان هدایت مبارزات را در دست داشت. دو اتفاق شهادت حاج آقامصطفی خمینی و انتشار مقاله توهین‌آمیز در روزنامه اطلاعات علیه امام، ایشان را بیشتر در کانون توجهات قرار داد و همین خود عامل ایجاد محدودیت ایشان توسط رژیم بعثی عراق گردید.

از آنجایی که امام خمینی از آغاز نهضت اسلامی و رهایی بخش خود تنها بر اساس وظیفه شرعی عمل و اقدام می‌کرد؛ در این مورد نیز مسیر خود را طی کرد، لذا در مرحله اول کشورهای اسلامی منطقه مورد بررسی قرار گرفتند تا مقصد امام قرار گیرند و در نهایت با دعوت مرحوم آیت‌الله حاج سیدعباس مهتری از کویت، ایشان به همراه فرزند خود حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سیداحمد خمینی و تعداد محدودی از یارانش به سوی کویت حرکت کردند، لکن هنگام

ورود به کویت در مرز پس از آنکه ایشان را شناختند و از حکومت خود کسب تکلیف کردند، مانع ورود امام به کویت شدند و ایشان با این مقدمات و در واقع مقدرات، روانه فرانسه شدند. هجرت الهی امام خمینی به فرانسه و استقرار چهار ماهه در حومه پاریس (روستای نوفل لوشاتو) نهضت و انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی را جهانی کرد.

ایشان که در شهر سنتی خمین زاده شده بود و در خمین و قم و نجف زندگی کرده بود؛ از چنان بینش و آمادگی روحی و توان هماهنگ شدن با محیط برخوردار بود که انگار سال‌ها در اروپا زندگی کرده باشد، هم زندگی عادی و معمولی در آنجا داشت و هم به‌ویژه از عنصر «رسانه» آزاد در دنیای غرب بهترین استفاده را کرد و به بهترین شکل به جهانیان نشان داد که انقلاب اسلامی، انقلاب سخن، قلم، فکر و اندیشه است. ایشان در فرانسه با نوشتن بیانیه‌های هدایتگر، مبارزات ملت ایران را به بهترین نحو رهبری می‌کرد و با مصاحبه‌های رسا و شیوا و معقول با رسانه‌های متعدد، هدف ملت مسلمان ایران را بیان می‌کرد و خواسته بزرگ ملت ایران یعنی سرنگونی رژیم سلطنتی و تأسیس نظام «جمهوری اسلامی» را برای پرسش‌گران رسانه‌ها تبیین می‌کرد. چنانکه برای ایرانیان مستقر در اروپا که به دیدارشان می‌رفتند، سخنرانی‌های مفصل و استدلالی در شناساندن حقایق و معارف مکتب اسلام می‌پرداخت و چنان با قاطعیت و صلابت و حزم و دوران‌دیشی رهبری کرد که با کم‌ترین خسارات و تلفات، رژیم متکی بر ارتش قدرتمند شاهنشاهی را ساقط و گرایش‌های گوناگون و احزاب و گروه‌های مختلف را گرد هدف مشترک «جمهوری اسلامی» متحد کرد و در کمتر از پنج ماه به هدف رسید؛ هم سرنگونی حکومت استبدادی و وابسته شاهنشاهی و پهلوی؛ و هم برپایی نظام جمهوری اسلامی.

دیدار افراد و شخصیت‌های فراوان با ایشان در پاریس خود به وضوح محوریت مطلق ایشان را گواهی می‌دهد؛ از اعضای شورای سلطنت تا شخصیت‌های ملی و مذهبی تا روحانیون مبارز و یاران صمیمی و قدیمی ایشان. امام از دست دادن فرصت را بسیار زیانبار می‌دید، لذا در کمترین زمان، «شورای انقلاب» را تشکیل داد تا هدایت مبارزات را در داخل بر عهده گیرد و خود نیز در نزدیک‌ترین زمان ممکن، روز دوازدهم بهمن ۱۳۵۷ با استقبال میلیونی ملت مسلمان ایران وارد کشور شد و انقلاب اسلامی ملت ایران را در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رساند.

مقطع حضور و کارنامه فعالیت امام خمینی در فرانسه را می‌شود تحقق جمع میان عناصر مثبت سنت و تجدد تلقی کرد که می‌تواند الگوی ارزشمندی باشد تا با شناخت ابعاد و زوایای آن از افراط و تفریط سنت‌پرستی و تجددزدگی دوری شود.

امام خمینی در برابر تهمت زشت و ناروای شاه به روحانیت مبنی بر اینکه آنها مرتجع و مخالف پیشرفت و تجدد هستند؛ در عمل پاسخ داده بود، که روحانیت مخالف پیشرفت نیست و با مظاهر تمدن مخالفتی ندارد، بلکه مخالفت روحانیت با مفاسد تمدن جدید است.

امام درباره رفتن به فرانسه می‌گوید:

در عین حالی که مایل نبودم از دول اسلامی خارج بشوم، لکن خداوند تقدیر کرده بود که مسائل در آنجا [فرانسه] به طور وسیع در همه جای دنیا پخش بشود و خبرنگارها از اطراف عالم هجوم کردند که گاهی روزی چندین مصاحبه‌ها می‌شد؛ و خصوصاً از امریکا که مصاحبه‌هایی با آنها شد و آنها از همان جا پخش کردند به سراسر امریکا و به بعض بلاد دیگر، و ما هم

مسایل ایران را در آنجا روشن کردیم، به طوری که بسیاری از ابهاماتی که به واسطه تبلیغات سوئی که از طرف اجانب شده بود، در آنجا رفع شد.^۱

محمد حسنین هیکل روزنامه نگار معروف مصری در رابطه با هجرت امام خمینی به فرانسه می‌گوید:

ورود آیت‌الله خمینی به نوفل لوشاتو یکی از نقطه عطف‌های انقلاب بود. او اکنون در معرض توجه کامل مطبوعات و رادیوهای جهان، که به تمام سخنان و اقدامات او توجه زیادی می‌کردند قرار گرفته بود. او نشان داد که از منافع و امتیازاتی که از ظاهر شدنش عاید می‌شود، مطلع است و بیانیه‌ها و مصاحبه‌های خود را زمان‌بندی می‌کرد تا عنوان‌های خبری در آمریکا و هر جایی را که برای نفوذ مساعد بود، به خود اختصاص دهد.^۲

خلاصه درس نهم

موج سوم نهضت امام خمینی، قیام علیه اقدام استعماری کاپیتولاسیون و حمله شدید امام خمینی به دولت مستکبر آمریکا بوده است.

گرچه رژیم شاه در اقدامی بی‌رحمانه و خشن دست به تبعید امام خمینی به ترکیه و سپس عراق زد ولی ایشان هیچ منفعل نشده و علاوه بر فعالیت‌های علمی و تألیف و تدریس، مبارزات ضد رژیم شاه را همچنان رهبری می‌کردند.

هجرت به پاریس و حضور در قلب اروپا نقطه جهش بزرگ و سرنوشت‌ساز در نهضت امام خمینی بوده است.

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۲۷.

۲. محمد حسنین هیکل، ایران روایتی که ناگفته ماند، ترجمه حمید احدی، ص ۲۸۳.